

مطالعه تطبیقی تصویرسازی و متن دو کتاب تعلیمات دینی چهارم ابتدایی

سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۹۴ با محوریت مفهوم خداشناسی

محمدجعفر سلیم‌زاده*

افسانه ناظری**

خشایار قاضی‌زاده***

چکیده

هدف این مقاله بررسی این موضوع است که تصاویر درس‌های مربوط به کتاب تعلیمات دینی چهارم ابتدایی تا چه میزان در خدمت بیان مفاهیم مربوط به خداشناسی که در متن کتاب بیان شده، بوده و در این دو بازه زمانی این میزان چه تغییراتی داشته است. فایده این تحقیق آن است که ضعف‌ها و نواقص این تصویرسازی‌ها از منظر مطابقت با متن شناسایی و زمینه‌ای برای اصلاح و بهبود این تصاویر پیدا شود. فرضیه اصلی این است که تصویرگران توجه عمیق و موشکافانه‌ای به متن نداشته‌اند و غالباً براساس سلیقه‌های شخصی به تصویرسازی متون پرداخته‌اند. روش تحقیق تحلیلی تطبیقی است نمونه مورد مطالعه هشت درس مربوط به مفهوم خداشناسی از دو کتاب دینی چهارم ابتدایی در ایران متعلق به سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۹۴ می‌باشد. جامعه آماری متخصصین حوزه تصویرسازی در دسترس شامل پنجاه و دو نفر از استادان، فارغ‌التحصیلان و ودانشجویان ارشد هنرهای تجسمی تهران و نیشابور هستند. فرآیند تحقیق بدین صورت بود که بر اساس اسناد بالادستی وزارت آموزش و پرورش پرسش‌نامه‌ای تهیه گردید حاوی جدول مقایسه یازده شاخصه مشترک میان متن و تصویر و نظیر به نظیر میزان تبعیت تصاویر از محتوای متن و اهداف بالادستی مورد سنجش قرار گرفت.

نتایج نشان داد که تصویرسازی درس‌های خداشناسی کتاب دینی چهارم دبستان در مجموع ۴۶ درصد با متن مطابقت داشته‌اند که این عدد برای سال ۱۳۶۰، ۴۹ درصد و برای سال ۱۳۹۴، ۴۱ درصد بوده است و بیانگر این است که توجه تصویرگران به متن به ویژه مضامین محتوایی آن کافی نیست و آنها مفهوم خداشناسی نهفته در متن را به خوبی با تصویر بیان نکرده‌اند که هدف اصلی درس می‌باشد.

واژگان کلیدی: تصویرسازی، کتاب درسی، تعلیمات دینی، خداشناسی، شاخصه بصری.

مقدمه

این مقاله در پی سنجش کیفیت تصویرسازی‌های کتاب درسی دینی چهارم ابتدایی در دو مقطع زمانی پس از انقلاب (متقدم‌ترین و متأخرترین) است تا مشخص کند این تصویرسازی‌ها تا چه میزان برای اهداف متن و مضمون نهفته در آن درست عمل کرده و این کیفیت از سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۴ چه تغییری کرده است. هدف تحقیق، شناخت میزان مطابقت تصویرسازی‌های دروس مبتنی بر مفهوم خداشناسی کتاب چهارم ابتدایی با متن درس‌های آنهاست تا مشخص کند اجزا و جوه مختلف تصویرسازی‌ها تا چه میزان در راستای متن حرکت کرده است. هر کدام از این وجوه و شاخصه‌ها چه تفاوت‌ها و تشابهاتی با متن دارند و در مجموع چه نمره و امتیازی می‌گیرند. در گام بعدی این ارزیابی در دو مقطع زمانی با هم مطابقت داده می‌شود.

این مطالعه موردی، آسیب‌شناسی تصویرسازی کتاب‌های دینی در ایران است تا اشکالات و نواقص آن در راستای امر آموزش برطرف شود. پرسش اصلی آن است که اجزا و جوه گوناگون تصویرسازی‌های دروس مبتنی بر مفهوم خداشناسی کتاب دینی چهارم ابتدایی تا چه میزان در راستای القای این مفهوم بوده است؟ و این میزان مطابقت در دو مقطع زمانی سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۹۴ چه تغییراتی کرده است؟

فرضیه تحقیق آن است که در تصویرسازی‌های این دروس، توجه کافی به اهداف و مفاهیم متن نشده است و تصویرگران، اغلب با سلايق شخصی، نگاهی سطحی به جنبه روایی متن دارند و به کارکردهای آموزشی تصویر کم‌توجه بوده‌اند؛ در صورتی که با تجزیه و تحلیل متن درس‌ها می‌توان راه‌حل‌های بصری اثرگذاری برای بیان تصویری پیام‌های نهفته در متن یافت.

روش تحقیق این مقاله توصیفی و بر مبنای هدف، توسعه‌ای و کاربردی است و بر مبنای نوع تحلیل، کیفی و کمی است. بدین منظور از مفاهیم اسلامی اصلی ده‌گانه آموزش و پرورش، نخستین و مهم‌ترین مفهوم یعنی خداشناسی انتخاب شد و درس‌های حاوی این مضمون به تعیین سند آموزش و پرورش گزینش گردید و محتوای هر درس خلاصه و تحلیل و سپس تصویرسازی درس مربوطه با محوریت ارتباط با متن توصیف و تحلیل شد. یازده شاخصه مشترک میان متن و تصویر انتخاب گردید و نظیر به نظیر میزان توجه به متن و هم‌افزایی با آن تحلیل شد. به دلیل اینکه سهم هر کدام از این وجوه و شاخصه‌ها به یک میزان نیست، برای اینکه امتیاز نهایی هر اثر دقیق‌تر باشد، بارم‌بندی‌ای برای هر شاخصه براساس میزان اهمیت آن در نظر گرفته شد که به تناسب اهمیت آنها سهمی از نمره کل تصویرسازی دارند که صد در نظر گرفته شده است.

به‌عنوان مثال توجه به هدف درس (بارم ۲۰) و مفهوم اصلی (بارم ۱۵) از همخوانی شخصیت

پیشینه تحقیق

درباره ویژگی‌های تصویرسازی مناسب برای کتاب‌های درسی جزوه‌ای حدود بیست صفحه‌ای با عنوان ویژگی‌ها و اصول تصویرگری آموزشی در سال ۱۳۸۳ از سوی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی منتشر شد که حاوی مطالبی کلی و ابتدایی است. گزیده‌ای از مقالات و تحقیقات درباره تصویرسازی دینی آموزشی به شرح زیر است: بررسی سیر تطور کتب درسی تعلیمات دینی در طول دوره‌های تاریخی و ویژگی‌های ظاهری و محتوایی این کتب در هریک از دوره‌های مختلف تاریخی، دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ۱۳۷۷؛

نتایج طرح نظرخواهی برنامه درسی تعلیم و تربیت دینی دوره ابتدایی؛

بررسی تطبیقی برنامه‌های درسی دینی و اخلاقی دوره ابتدایی در ایران و چند کشور جهان از

زهره شعبانی و بهرام حسن‌پور، ۱۳۸۳؛

بررسی میزان درک دانش‌آموزان سوم ابتدایی از واژگان و مفاهیم کتاب تعلیمات دینی، از مجتبی

مقصودی و سیامک مهجور، ۱۳۷۱؛

آسیب‌های موجود در عرصه تربیت دینی در وزارت آموزش و پرورش و توصیه‌های پیشنهادی برای کاهش و رفع آنها برگرفته از مجموعه مقالات و مصاحبه‌های همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی از عزیزالله تاجیک، ۱۳۸۳؛

یک مجموعه تحقیق تطبیقی، برای مقایسه بین برنامه درسی ایران و چهار کشور مسلمان که هرکدام به شکل جداگانه توسط پژوهشگران صورت گرفته است. پژوهش‌های یاد شده در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی صورت گرفته یا با حمایت آنجا بوده است. برخی تحقیقات هم در پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش صورت گرفته که به گزیده‌ای از آنها اشاره می‌شود:

ارزشیابی کتاب درسی تعلیمات دینی سال چهارم در نظام جدید در مدارس تهران و مراکز استان‌ها نوشته ابوالقاسم لوزی. همان‌طور که مشاهده می‌شود هیچ‌کدام از تحقیقات به شکل ویژه به تصویرسازی کتب دینی نپرداخته و در برخی از اینها اشاراتی گذرا به تصاویر شده است. قائینی و محمدی (۱۳۸۰) مجموعه ده جلدی تاریخ ادبیات کودکان ایران را نوشته‌اند که مهم‌ترین و مفصل‌ترین کتاب در زمینه ادبیات و حتی هنر کودکان ایران زمین است. قائینی به تازگی گرایش بیشتری به سمت تصویرگری داشته و مقالات زیادی را هم در این حوزه نگاشته و ترجمه کرده است که کتاب تصویرگری کتاب کودک یک نمونه از آن است.

اکرمی نیز مقالات متعددی درباره تصویرسازی دارد؛ از جمله در مورد تاریخچه تصویرگری دینی در ایران، گوناگونی تکنیک در تصویرگری دینی، بررسی سه تصویرگر برجسته دینی ایران، تصویرگری شعر.

افشاری در پایان‌نامه دکتری خود با عنوان قابلیت‌های تصاویر تجسمی در قرآن کریم در فصل اول کلیات تحقیق را آورده و در فصل دوم به تعریف صورت در قرآن و احادیث و بزرگان دینی پرداخته و سپس به تعریف تصویر و انواع آن در قرآن و اهمیت دیدن اشاره کرده و در فصل آخر هم نقش نشانه‌ها در قرآن را آورده است. این رساله از این نظر برای نگارنده اهمیت دارد که یکی از راه‌های تصویرسازی مفاهیم دینی بهره‌گیری از تصویرسازی‌های کلامی است.

پایان‌نامه دیگر تبیین هویت فرهنگی در تصاویر کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی در ایران از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۸ است که به این نتیجه رسیده که کتاب‌های درسی پس از انقلاب بیشتر دارای این هویت هستند و کتاب‌های فارسی، دینی، تعلیمات اجتماعی و هنر به ترتیب دارای بیشترین هویت اسلامی ایرانی هستند.

اقبالی (۱۳۸۹) در رساله دکتری خود با عنوان تبیین رابطه تصویر و متن در تصویرسازی کتاب‌های داستانی کودک در ایران از سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰ به بررسی همه جوانب موضوع مثل صورت و معنا، کودک و ادبیات و تصویرسازی پرداخته و سرانجام به نقد و تحلیل ۵۰ رابطه متن و تصویر ۵۰ کتاب مصور پرداخته و در پایان نتیجه گرفته است که تصویرسازی کتاب‌های داستانی کودک در دو دسته ارائه شده‌اند: ابتدا تصاویری که مغایر با متن هستند و از آن پیروی نمی‌کنند و دیگری تصویرسازی‌هایی که بیان‌کننده متن‌ها و معناها را می‌نمایند. همچنین، تعدادی از تصویرسازی‌ها به دلیل گرایش بیش از حد به فنون تصویرسازی باعث به وجود آمدن تغییر در فهم متون داستانی شده‌اند.

صدقی در رساله دکتری خود با عنوان تحلیل عوامل و عناصر مؤثر در تأثیرگذاری پیام در تصویرسازی با بهره‌گیری از علوم نظیر دانش بصری زبان تصویر و ارتباطات بصری و با استناد به نظریات اندیشمندان معاصر بین‌المللی به تحلیل عواملی می‌پردازد که در انتقال پیام به مخاطب و تأثیرگذاری بر او مؤثر هستند. دیگر پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد مرتبط عبارت‌اند از: نبوی، رابطه متن و تصویر در تصویرسازی؛ نمینی، نقش نقاشی در تعلیم و تربیت کودک؛ صالحی (۱۳۷۲)، کاربرد گرافیک در آموزش دینی کودکان؛ نقش هنر در تربیت معنوی کودکان؛ پژوهشگران دیگری نیز در زمینه تصویرسازی دینی به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند که از شاخص‌ترین آنها می‌توان به سیدعلی محمد رفیعی، مجید رفیعی، محمدحسین صلواتیان و کاظم طلائی اشاره کرد.

مبانی نظری تحقیق

هشت سند بالادستی اصلی در مورد راهبردها و شیوه‌های تعلیم و تربیت رسمی و ویژگی‌ها و اصول تصویرسازی کتاب‌های آموزشی وجود دارد که نقطه اتکا و مبنای اصلی سنجش و میزان ارزیابی کیفیت تصویرسازی‌های کتاب درسی می‌باشند که به ترتیب اولویت از کلان‌تر و مهم‌تر به جزئی‌تر و خاص‌تر عبارت‌اند از:

۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۰؛
 ۲. نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران، دفتر اطلاع‌رسانی و سنجش افکار وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۹؛
 ۳. برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، شورای عالی آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۱؛
 ۴. راهنمای برنامه تعلیم و تربیت اسلامی دوره ابتدایی، شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۵؛
 ۵. نسبت اهداف، نشانه‌های تحقق و سطوح عملکردی کتاب‌های درسی، شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۸۵؛
 ۶. مجموعه راهنماهای تولید کتاب‌های آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۸۷؛
 ۷. ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی دینی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۸۷؛
 ۸. ویژگی‌ها و اصول تصویرگری کتاب آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۸۷.
- در سند ۴۵۰ صفحه‌ای تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۱)، به موارد ذیل پرداخته شده است: فلسفه تربیت رسمی در جمهوری اسلامی، مبانی اساسی تربیت، چپستی، چرایی، چگونگی و اهداف تربیت، انواع تربیت، عوامل، ارکان و اصول تربیت، رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، اهداف، کارکردها، رهیافت‌ها، رویکردها و الگوهای نظام تربیت جمهوری اسلامی ایران. این سند اساس و میزان تدوین کتب درسی از جمله کتاب‌های درسی دینی است که مهم‌ترین معیار و شاخص تعیین خط‌مشی کتاب‌های درسی دینی دوره دبستان و مبنای سنجش و نقطه اتکای این مقاله است. در اینجا به چند نکته مهم آن اشاره می‌شود: اصول تربیت اسلامی شامل: ۱. اصالت فرهنگ و تربیت؛ ۲. اسلام و معارف آن؛ ۳. اجتهاد ژرف و

جامع؛ ۴. گفتمان انقلاب اسلامی؛ ۵. نگاه تمدنی؛ ۶. تربیت جامع و متوازن و یک پارچه؛ ۷. تجربه و دانش بشری؛ ۸. نگاه آسیب شناسانه ناظر به زمانه و راهبردی (ص ۱۷۹ و ۱۹۰). اهداف مشترک، شایستگی های تربیت یافتگان می باید دیندار، مؤمن به باورهای اسلام ناب، علاقه مند به ارزش های اصیل و عامل به دستورات و احکام اسلامی، مؤدب و متخلق به آداب و اخلاق انسانی و اسلامی، حقیقت جو، خردورز و پرسشگر (همان، ص ۲۶۴ و ۳۳۴).

«برنامه ملی درسی» مصوب ۱۳۹۱/۸/۲۶ شورای عالی آموزش و پرورش هم سند دیگری است که مبانی، اصول، اهداف، راهبردها، سیاست ها، الگوها، ساختارها و فرایندها تولید برنامه درسی را تدوین و تشریح کرده که در این مقاله مورد توجه و اتکا بوده است. سند دیگر با عنوان «راهنمای برنامه تعلیم و تربیت اسلامی دوره ابتدایی» مصوب هفتصد و سی و پنجمین جلسه مورخ ۵۸/۴/۲۷ می باشد که شامل موارد جزئی تر و ریزتر در مورد محتوای آموزه های درس دینی هر پایه و هر درس به شکل دقیق و مشخص است و یکبار در برنامه در صفحات ۶-۹ چنین تعریف شده است: ۱. حقیقت جویی و خردورزی؛ ۲. گرایش به خیر و فضیلت؛ ۳. زیبایی گرایی؛ ۴. گرایش به خلایق و ابداع؛ اصول حاکم بر برنامه درسی این چنین بیان شده است: ۱. محور قرار گرفتن قرآن کریم و سنت و سیره معصومان (علیهم السلام)؛ ۲. توجه به رویکردهای جدید در تعلیم و تربیت با هدف روزآمد شدن برنامه؛ ۳. توجه به توانایی ها و محدودیت های رشدشناختی دانش آموزان دوره ابتدایی؛ ۴. توجه به جنبه های عاطفی، نگرشی برای عمل کردن باورها؛ ۵. اصالت قائل شدن به کیفیت فرایند یاددهی، یادگیری و استفاده از روش آموزش فعال تربیت دینی؛ ۶. تقویت احساس نیاز به دین.

کودکان ۹ تا ۱۳ سال

در این دوره، که شامل پایه های چهارم و پنجم می شود، تفکر کودکان در مرحله عملیات عینی قرار دارد و درک آنها از مفاهیم مذهبی به واسطه طبیعت عینی تفکرشان محدود است؛ از این رو نمی توان مستقیماً مفاهیم انتزاعی و استدلال های عقلی را برای آنها مطرح کرد؛ بلکه معارف دینی همچنان باید به صورتی ساده و با تکیه بر تجربیات و احساس های شخصی آنها تعلیم داده شود؛ اما تغییر تدریجی تفکر آنها از عینی به انتزاعی و افزایش تجربیاتشان در زندگی این امکان را به وجود می آورد که معلومات در سطح بالاتری برای آنان ارائه شود و اطلاعات دینی بیشتری در اختیارشان قرار گیرد. در این مرحله نیز استفاده از داستان، شعر، سرود، نمایشنامه و کارهای عملی و هنری مختلف یکی از ضرورت های آموزش به شمار می رود.

هنر تصویرگری چیست؟

صدقی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با بررسی تمامی دانشنامه‌های معتبر و کتاب‌های مهم در زمینه تصویرسازی، تصویرگری را چنین تعریف می‌کند: تصویرگری است که برای توضیح، تفهیم، انتقال اطلاعات، تزیین و جذاب کردن یک متن استفاده می‌شود و عموماً بازنمایانه و گاه نمادین یا نموداری هم می‌تواند باشد و به شیوه‌های نقاشی، عکاسی، انتزاعی و یا با مواد و مصالح گوناگون می‌تواند اجرا شود و اکثراً در رسانه‌های چاپی مانند کتاب یا مجله به کار می‌رود (صدقی، ۱۳۸۹، ص ۸۲). آموزش و پرورش، تصویرسازی را چنین تعریف می‌کند: به گزینش و به‌کارگیری تصاویر توضیح‌دهنده و توصیف‌کننده برای بیان مفاهیم اشاره می‌کند. در تصویرگری ممکن است نقاش، عکاس، گرافیسیت، صفحه‌آرا، روان‌شناس، مؤلف، معلم، متخصص موضوعی و مدیر هنری در کنار یکدیگر گاه به‌صورت گروه‌های دو یا سه نفری، با یکدیگر کار کنند تا بتوانند پیامی را به شکل مؤثر به مخاطب منتقل کنند.

کاربرد تصویر در آموزش: از تصاویر آموزشی ممکن است برای آموزش مفاهیم، کنش‌ها، داستان‌سازی، بازآفرینی احساس، موضوعات مجرد، رخدادها، فرایندها، حالت‌ها، شخصیت‌ها، پدیده‌ها، افعال، رابطه‌ها، کشف‌ها استفاده شود. نوع تصویر متأثر از محتوای ماده آموزشی و تعامل و توافق تصویرگر با متخصص آموزشی است (ویژگی‌ها و اصول تصویرگری کتاب‌های آموزش کودکان، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۳).

اهمیت تصویر در کتاب‌های آموزشی

۱. کمک به درک بیشتر مفاهیم، حقایق، فرایندها و مهارت‌ها؛ ۲. پاسخ‌دهی صحیح و مناسب به نیازهای متن؛ ۳. غنی‌سازی و مؤثر کردن نوشته؛ ۴. عینی و محسوس کردن موضوع؛ ۵. کمک به ثبت موضوع در ذهن فراگیر؛ ۶. برانگیختن کنجکاوی فراگیر برای درک رابطه‌های میان نوشته و تصویر؛ ۷. کمک به پرورش قوه تخیل مخاطب؛ ۸. آسان کردن موضوع؛ ۹. جذاب و دلنشین کردن اثر برای توجه هرچه بیشتر خواننده (همان، ص ۱۶).

ویژگی‌های تصویرگر خوب

آشنایی با هدف‌های تصویرگری، همراهی با نویسنده و علاقه به ادبیات، عشق و شور به کودک و خلق اثر برای کودکان، آشنایی با روان‌شناسی کودک و احساس مسئولیت نسبت به او، داشتن دانش

در باب تصویرسازی و ادبیات کودکان، برخورداری از قوه تخیل بالا و مثبت، توجه به دانش بصری و زبان تصویری و مهارت اجرا (همان، ص ۲۳).

اصول و معیارهای تصویرگری

سبک و شیوه بصری باید با درونمایه‌های مفهومی و حسی متن هماهنگ باشند و تصویرگر، نخست باید به کمک مؤلف، مفاهیم اساسی هر متن را جستجو کند و در تصویر خود راه دهد. مفاهیم ممکن است از نوع علمی، اجتماعی، تاریخی، هنری، ادراکی و یا مذهبی باشند. بررسی مفاهیم و محتوای موضوعی کتاب مشخص می‌کند که از کدام سبک و تصویر در انتقال مفهوم باید استفاده کرد؛ توجه به نیازهای گروه سنی فراگیران، و فرایند رشد دانش آموز و علایق او.

ملاک‌های تصویرگری برای گروه سنی ۱۰ تا ۱۲ سال

تصویرها به فراخور موضوع باید پیچیده، اندیشه برانگیز، الهام‌بخش و به نقاشی (هنرهای دیداری) نزدیک شوند؛ زاویه‌های گوناگون در تصویرگری به کار گرفته شود؛ تصویرها همچنان تازگی و فردیت داشته باشد؛ شادابی و خیال‌انگیزی تصویرها در کتاب علمی و آموزشی نیز حفظ شود؛ استفاده از تضاد و تناقض افزایش یابد؛ استفاده از انواع رنگ‌ها و ادغام آنها گسترش یابد؛ استفاده از تکررنگ همچنان ادامه یابد؛ تصویرها همچنان پیش از نوشته یا موضوع‌های مربوط به آن قرار گیرد؛ کاربرد تصویر باید کاهش ولی نوشته افزایش یابد؛ به نسبت یک به چهار (ویژگی‌ها و اصول تصویرگری کتاب‌های آموزش کودکان، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۳).

خلق پیچیدگی بیشتر با استفاده از شیوه‌های موجود در هنرهای تجسمی، ابزاری خاص و حضور نوع نگاه تصویرگر، برانگیختن تفکر و قوه خلاق، استفاده از ترکیب رنگ متفاوت، تضاد هفت‌گانه، رنگ‌های کدر، خاکستری و سیاه، الزام استفاده از تضاد و اغراق، کاهش حجم تصاویر نسبت به نوشتار (هر ۸ تا ۱۰ صفحه یک تصویر)، کاربرد تصاویر تکررنگ یا دو رنگ، تغییر مناظر و مرایا (صفاری، ۱۳۹۳، ص ۷۸).

هدف از مصورسازی نمایش معانی و کیفیت‌های باطنی متن است؛ دو‌گرایی تخیلی و غیرتخیلی وجود دارد: گرایش اول نگاه به متن و تصویر، درونی و خیالی روان‌شناسانه، معنوی و فراواقعیت؛ گرایش دوم، در کل نگاهی مادی و رئالیستی نمایش واقعیت عین طبیعت است و این ترجمه‌پذیری میان هنرهای کلامی و هنرهای تصویری است (اقبالی، ۱۳۸۹، ص ۳۸).

رابطه تصویر و متن در تصویرسازی: تصویرهایی که بیان‌کننده متن‌ها و معناهای کتب هستند. تصویرهای مغایر با متون داستانی از متون داستانی پیروی نمی‌کنند. گرایش بیش از حد به فنون تصویرسازی سبب تغییر در فهم متون داستانی شده است.

ویژگی تصویرسازی مذهبی: تصویرسازی به‌ویژه «تصویرسازی مذهبی»، تراوش روح هنرمند است. به همین دلیل، تزکیه نفس و تصفیه درون برای هنرمندان مذهبی، امری کاملاً ضروری است. هنرمند تصویرساز دین‌باور برای رسیدن به حقیقت، دین و سیر در عالم ملکوت نیازمند آن است که از «شارلاتانیسم» رایج در دنیا دست بردارد و با کاهش ادعا و خودنمایی و تنگ‌نظری و باز یاد کردن تفکر و هنر و تواضع و دوستی زنده‌کننده اخلاقیات حقیقی و انسانی باشد (اقبال، ۱۳۸۲، ص ۴۶).

اهداف تعلیمات دینی چهارم ابتدایی

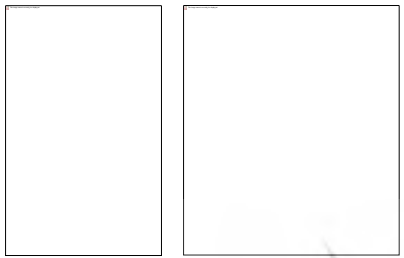
اهداف تعلیمات دینی چهارم ابتدایی ده مفهوم کلی به این شرح دارد: ۱. خداشناسی؛ ۲. پیامبری؛ ۳. امامت؛ ۴. جهان آخرت؛ ۵. قرآن؛ ۶. آداب و اخلاق؛ ۷. مراسم اسلامی؛ ۸. احکام؛ ۹. شخصیت‌های اسلامی و ۱۰. خودشناسی. نگارنده به دلیل اهمیت و محوری بودن بحث خداشناسی و نیز محدودیت حجم مقاله، صرفاً درس‌هایی را مورد مطالعه قرار داد که به تعیین خود وزارت به این مفهوم پرداخته بودند (شامل هفت درس در دو کتاب) و حتی برای هر پایه جنبه‌ای خاص از خداشناسی را در نظر گرفته، که برای چهارم دانایی و توانایی خدا. در راهنمای آموزش کتاب دینی چهارم، هدف خداشناسی و روش انتقال این مفهوم را این‌چنین تشریح کرده است: ۱. خدای بخشنده و مهربان، دانا و تواناست. نمونه‌هایی از نیازهای انسان و موجودات دیگر و نعمت‌های خداوند برای رفع آنها و نمونه‌هایی از یاری خداوند نسبت به بندگانش؛ ۲. خدا همیشه با ماست و ما را تنها نمی‌گذارد. بینایی و شنوایی همیشگی خداوند نسبت به همه اعمال و گفتار ما بیداری همیشگی خداوند و توجه او نسبت به ما؛ ۳. خدا از همه چیزهایی که برای ما خوب و لازم است، خیر دارد رفع نیازهای ما نشانه‌های دانایی و توانایی خداوند است. جدول زیر خلاصه‌ای از چند جدول از همین سند است.

جدول ۲: اهداف پایه چهارم

مفاهیم	حیطه شناختی	حیطه عاطفی	حیطه کنشی
خداشناسی	آشنایی با دانایی و توانایی خدا از طریق توجه به نعمت‌های خداوند به‌عنوان رفع‌کننده نیازهای مختلف انسان و دیگر موجودات	احساس دلگرمی و علاقه نسبت به خداوند؛ تمایل به بهره‌گیری از دعا‌های مناسب برای گفتگو با خدا	تشکر و سپاسگزاری از خداوند در مقابل نعمت‌هایش
جدول برگرفته از سند راهنمای برنامه‌تعلیم و تربیت اسلامی دوره ابتدایی در ایران مصوب هفتصد و سی و پنجمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش ۱۳۸۵/۴/۲۷			



تصویر ۱، تصویرسازی درس اول
کتاب دینی چهارم سال ۱۳۶۰



بخش اول

کتاب تعلیمات دینی پایه چهارم ۱۳۶۰

درس اول

مشخصات درس

عنوان: خدا سرچشمه آفرینش

مفهوم اصلی: آفرینندگی و دانایی و توانایی خدا

گونه ادبی: داستانی (خرده روایت)

رویداد اصلی: گفتگوی دو نفره

شخصیت‌ها: پسر و پدر

مکان: داخل خانه

زمان: معاصر، روز

تشریح متن: پسر از پدر دلیل حمد کردن خدا پس از غذا خوردن را می‌پرسد. پدر برای او توضیح می‌دهد که ما هرچه داریم نعمت خداست و خدا از نیازهای ما آگاه است و بر رفع آنها توانا و به نعمت‌هایی چون دست، دهان و چشم اشاره می‌کند. نویسنده می‌خواهد از طریق خرده روایت یک مفهوم دینی را با مثال‌های ملموس و عینی بیان کند. متن داستان‌گرایایی و پرکششی ندارد و فقط یک موقعیت و گفتگوی ساده دو نفره است و به‌عنوان یک درس دینی گرایش به توضیح جزئیات مسائل زیست‌شناسانه زیاد است. با اینکه تلاش شده به‌طور غیرمستقیم مفاهیم دینی بیان شود، باز سهم عبارات مستقیم هنوز هم زیاد است و همچنین کنش و رویداد خاصی یا شخصیت‌پردازی و فضاسازی ویژه‌ای در قصه دیده نمی‌شود، که اینها بر جذابیت‌های متن می‌افزود.

تصویرسازی: تصویرسازی‌ها شخصیت‌محور و فاقد فضاسازی است. سبک آن واقع‌گرا و شیوه اجرایی آن ترکیبی از قلم‌گیری خطوط محیطی و آبرنگ است. تناسبات آناتومی طبیعی و نسبتاً دارای جزئیات است که ماهرانه اجرا شده است. صورت‌ها زیبا و چشم‌نوازند. چهره پسر حکایت از نجابت و معصومیت او می‌کند و حالت ایستادن او با متانت و وقار است که از متن نیز چنین برداشتی از شخصیت او می‌شود. لطافت و وقار حس غالب صحنه است؛ حرکت ملایمی در دستان او و نگاه و لبخند نرم او و زاویه دید همتراز چشم توازن و آرامش تصویر را افزون می‌کند؛ لطافت رنگ‌مایه‌های آبرنگی و روشنایی کم آنها انحناهای نرم و سیال خطوط محیطی همگی در خدمت لحن متین و نجیب تصویر است. هیچ عامل تنش‌زایی در تصویر وجود ندارد. رنگ‌ها

پخته و خاموش و خنثی هستند. شدت، غلظت و درجه اشباع کمی دارند و به لطافت کنار هم قرار گرفته‌اند. خطوط محیطی اگرچه همگی مشکی هستند، ولی به نرمی و سیال با هم درآمیخته‌اند و حسی ملایم به تصویر بخشیده‌اند؛ ولی در کل نوع تصویرسازی میل به تصویرسازی غیرداستانی دارد و حال و هوای تصویرسازی‌های علمی را به یاد می‌آورد و مانند آنها اجازه تخیل و جستجو و به تفکر انداختن مخاطب را نمی‌دهد؛ سراسر است و واضح است و یک پیام ساده علمی را بیان می‌کند: در اینجا توجه به اندام دست یا دهان و دندان. اما هدف اصلی این درس آموزش خداشناسی و به‌ویژه دانایی و توانایی و نعمت‌دهندگی اوست. همان‌طورکه در متن با بیان یک نمونه و یک نشانه پیدا می‌خواهد به یک وجود ناپیدا و یک مفهوم عقلی اشاره کند، تصویر نیز باید در این مسیر حرکت کند؛ اشارات تصویری معطوف به اعطای این نعمت‌ها (دست، دهان) از سوی خدا از الزامات تصویرسازی برای چنین متنی است. یکی از راه‌ها فضا‌سازی مناسب است. تصویرگر به‌طورکلی خود را از فضا‌سازی محروم کرده است؛ فضا ذاتاً تفکربرانگیز و خیال‌ساز است و اجازه پرواز ذهن را به مخاطب می‌دهد به‌ویژه برای موضوعات متعالی و عظیم چون خدا که شکوه و بزرگی فوق‌العاده‌ای دارد. فضا‌سازی‌های گوناگون برای همین تصویر می‌تواند تعبیرهای متفاوتی از آن بیافریند؛ می‌تواند پیام بصری آن را محدود به وجه زیست‌شناسانه و جسمانی موضوع کند و یا معانی دینی و الهی متن را در تصویر بازنمایی کند. در مجموع اگرچه تصویرسازی ماهرانه و خوش‌نماست، ولی عملکرد آن محدود به چشم‌نواز کردن صفحه شده و مفهوم خداشناسی را باز نمی‌نمایاند که هدف اصلی درس می‌باشد و حتی توجه و تلاشی در این راستا از سوی تصویرگر دیده نمی‌شود.

جدول ۳: مقایسه اجزا و وجوه گوناگون متن و تصویرسازی درس اول تعلیمات دینی چهارم ابتدایی ۱۳۶۰ «خدا

سرچشمه آفرینش»

جمع کل	زمان	فضا	عنصر مهم	شخصیت	رویداد اصلی	اجرا (شیوه و کیفیت)	سبک	ژانر	احساس غالب	مفهوم اصلی	هدف اصلی وزارت آموزش و پرورش	بارم
۱۰۰	۳۴	۳۴	۵	۶	۷	۱۰	۸	۱۰	۱۲	۱۵	۲۰	۱۰۰
	معاصر، روز	داخل خانه	اعضای بدن	پسر و پدر	گفتگوی دوفره کارکرد اعضای بدن	نثر ساده و ابتدایی، واژگان و عبارات آشنا	رسمی و جدی و چندباره، گاه بسیار علمی گاه داستانی	خرده روایت	تدبیر سنجیدگی و توجه و لطف خدا	خداشناسی، زیست‌شناسی	خداشناسی، توانایی	متن
	معاصر، روز	بدون مکان	اعضای بدن	پسر	مشاهده اعضا	آرنگ با خطوط محیطی، آناتومی صحیح	واقع‌گرا	نسبتاً روانی	رضایت و توجه فرد به خود	زیست‌شناسی	شناخت بدن و حواس ظاهری	تصویرسازی
٪۴۴	٪۴۲	٪۳۵	٪۵۵	٪۳۸	٪۳۸	٪۵۴	٪۴۱	٪۴۶	٪۳۹	٪۴۲	٪۴۳	میزان انطباق متن و تصویرسازی

درس دوم

مشخصات درس

عنوان: آب نعمت زندگی ساز

مفهوم اصلی: آفرینندگی و نعمت بخشی خدا

گونه ادبی: غیرداستانی

رویداد اصلی: فاقد رویداد

شخصیت‌ها: فاقد شخصیتی خاص، حیوانات و انسان به طور عام

مکان: طبیعت

زمان: بدون زمان خاص

عنصر اصلی: آب

تصویر ۲: تصویرسازی درس دوم

کتاب دینی چهارم سال ۱۳۶۰

تشریح متن: نوشتاری غیرداستانی با تأکید بر اهمیت آب به عنوان نعمتی از سوی خدا که اهمیت حیاتی برای همه موجودات دارد و ما از طریق آن می‌توانیم به دانایی و توانایی خدا پی ببریم. متن کاملاً صریح و مستقیم مضمون خود را بیان می‌کند و با همان مدل و الگوی علت و معلول، با آوردن نمونه شاخصی از نعمت‌های خدا (آب) در پی شناساندن و اثبات مفهوم

خداشناسی به‌ویژه صفاتی چون دانایی و توانایی اوست. به نظر می‌رسد گونه غیرداستانی به اندازه داستان برای سنین ابتدایی جذابیت نداشته باشد به‌ویژه موضوعات سنگین و ذهنی مانند معارف دینی؛ بنابراین استفاده گونه غیرداستانی انتخابی درست نیست. اگرچه با مثال‌هایی متعدد به مضمون انتزاعی آن عینیت بخشیده شده و آن را قابل درک‌تر نموده است، ولی فاقد شخصیت محوری بودن متن و عدم وجود ماجرا از کشش آن کاسته است، و کار را برای تصویرگر هم دشوار کرده است.

تصویرسازی: تصویرگر نگاه عام و کل‌نگرانه متن را به یک مصداق انسانی و یک حیوان و رودخانه و آبشار فروکاسته است که تمهید مناسبی برای ارتباط بیشتر مخاطب با تصویر به نظر می‌رسد. عناصر اصلی متن که آب، انسان، حیوان و طبیعت است در تصویر به‌خوبی حضور دارند؛ گویی تصویرگر از هر گروه نمونه‌ای برگزیده و در صحنه چیدمان کرده است. انتخاب کودکی همسن مخاطبان کتاب گزینش درستی است و گوسفند هم جزء همراهان قدیمی انسان بوده است. فضاسازی نیز با تکیه بر عنصر آب در طبیعت صورت گرفته که هم‌راستا با متن است. لحن کلی اثر فضایی مطبوع و ایدئال است؛ یک روز بهاری نه‌سرد و نه‌گرم، رودخانه و آبشاری زلال و پرآب، دشتی سرسبز و پرگل، آسمانی پاک و آبی با لکه‌های ابر سفید؛ کودکی زیبا، سالم و خوشحال، گوسفندی فربه و پاکیزه، همه چیز رؤیایی و بکر است و این با ماهیت درس همخوان است که مجموعه هستی آفریده خدا دارای هماهنگی و همزیستی و سازگاری است و گویی آغاز آفرینش است و همه چیز حکایت از اعتدال و آرامش و صلح و صفا دارد. همه اینها نقات قوت تصویر است که صحنه‌ای چشم‌نواز و دلپذیر ترسیم شده است. مهارت و توانایی‌های اجرایی تصویرگر نیز مزید بر علت شده تا اثری حرفه‌ای پیش روی ما قرار گیرد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۴: مقایسه اجزا و وجوه گوناگون متن و تصویرسازی درس دوم تعلیمات دینی چهارم ابتدایی ۱۳۶۰ «آب نعمت زندگی ساز»

بارم	متن	تصویرسازی	میزان انطباق متن و تصویرسازی
۱۰۰			٪۵۵
۴	بدون زمان	معاصر، روز	٪۴۸
۴	طبیعت	دشت	٪۶۴
۵	آب	رودخانه	٪۶۸
۶	خدا، انسان، حیوان	پسر، گوسفند	٪۵۶
۷	نقش نعمت خداوندی آب در زندگی	نوشیدن آب توسط پسر و گوسفند	٪۵۴
۱۰	نثر ساده، عبارت و واژگان ابتدایی	آریزنگ با خطوط محیطی زنجت	٪۴۸
۸	رسمی و جدی	نسبتاً واقع‌گرا	٪۴۵
۱۰	غیرداستانی	نسبتاً روایی	٪۵۰
۱۲	قدرشناسی و توجه به نعمت‌ها	لذت بردن و آسودگی در طبیعت	٪۶۱
۱۵	خداشناسی، طبیعت‌شناسی	همزیستی انسان و طبیعت	٪۵۷۰
۲۰	خداشناسی، دانایی، توانایی	احترام به طبیعت کمال طبیعت موجودات	٪۶۰

درس سوم

مشخصات درس

عنوان: درخت سیب درس خداشناسی می‌دهد

مفهوم اصلی: دانایی و توانایی خدا

گونه ادبی: غیرداستانی

رویداد اصلی: روی درخت و میوه

شخصیت اصلی: شخصیت اصلی انسانی یا حیوانی ندارد

مکان اصلی: باغ

عنصر اصلی: درخت سیب

تصویر ۳: تصویرسازی درس سوم کتاب دینی

چهارم سال ۱۳۶۰

تشریح متن: چهار درس اول این کتاب از نظر شیوه آموزش خداشناسی یکسان بوده و گویی یک درس کلی خداشناسی شامل چهار بخش با مثال‌های گوناگون است. نویسنده می‌خواهد با همان نگاهی که به فیزیولوژی اندام انسان در درس اول بود و همان نگرشی که به نقش آب در حیات موجودات دارد، حال با مثالی دیگر از آفریده‌های خداوند و با نگاهی علمی به فرایند پرورش درخت سیب، دانش‌آموز را به نیروی دانا و توانایی متوجه کند که خالق همه اینهاست و این چنین درس خداشناسی بیاموزد.

تصویرسازی: همان‌گونه که چهار درس اول، سیاق یکسانی در سبک متن و شیوه آموزش خداشناسی دارند، سبک بصری منوچهر درفشه، تصویرگر این درس‌ها هم با مؤلفه‌هایی که پیش‌تر برشمردیم یکنواخت و همسان است. سبک کلی از نظر رعایت آناتومی، پرسپکتیو، نورپردازی، حجم و بافت و جنسیت‌پردازی واقع‌گرایانه است. با اینکه عنصر محوری در متن درخت سیب است، ولی تصویرگر به درخت و سیب بسنده نکرده و با حضور یک شخصیت انسانی کودک در تصویر به صحنه جذابیت و زندگی بیشتری بخشیده و اصولاً حضور فرد باعث ارتباط بیشتر مخاطب کودک، نوجوان با تصویر می‌شود و به فضای بی‌روح و ساکن، انرژی و جان می‌بخشد. خوشبختانه درفشه متوجه این موضوع بوده و با این تمهید غنای بیشتری به اثر خویش بخشیده است. یکی دیگر از تمهیداتی که وی برای بیان مطالب علمی درس به کار برده استفاده از عناصر دیاگراماتیک مانند فلش و پیکان برای نشان دادن چرخه فرآوری آب و مواد غذایی در درخت است، که فلش‌ها چندان هم هماهنگ با کل اثر نیستند و ناهمگون با بقیه تصویر به نظر می‌رسند. مشکلی که در این تصویر هم مانند دو درس گذشته به چشم می‌خورد این است که ارتباط این موضوع طبیعی با هدف اصلی درس که آموزش مفهوم خداشناسی.

جدول ۵: مقایسه اجزا و وجوه گوناگون متن و تصویرسازی درس سوم تعلیمات دینی چهارم ابتدایی سال ۱۳۶۰:
درخت سیب درس خداشناسی می دهد

جمع کل	زمان	فضا	عنصر مهم	شخصیت	رویداد اصلی	اجرا (شیوه و کیفیت)	سبک	ژانر	احساس غالب	مفهوم اصلی	هدف اصلی وزارت آموزش و پرورش	بارم	متن	تصویرسازی	میزان انطباق متن و تصویرسازی
۱۰۰	۴	۴	۵	۶	۷	۱۰	۸	۱۰	۱۲	۱۵	۲۰				
	بدون زمان	طبیعت، ماورای طبیعت	درخت سیب	خدا، انسان	فراوری میوه برای بهره‌گیری انسان	نثری ساده و ابتدایی	رسمی و جدی	خرده روایت	حکمت و تدبیر خدایی	خداشناسی، گیاهشناسی	خداشناسی، دانایی، توانایی				
	معاصر، روز	طبیعت	درخت سیب	پسر	آرمینان و مطالعه پسر زبر درخت سیب	آزنگ لطیف، خطوط محیطی و هاشور	واقع‌گرا	نسبتاً روانی	آرامش، سرخوشی و لذت	بهره انسان از درخت سیب و فواید و ساختمان آن	رابطه و وابستگی انسان و طبیعت				
	%۴۱	%۵۲	%۶۴	%۴۹	%۵۰	%۵۵	%۵۴	%۵۱	%۴۸	%۵۴	%۵۵				

درس چهارم

مشخصات درس

عنوان: خدای دانا، توانا، بخشنده و مهربان

مفهوم اصلی: دانایی و توانایی خدا

گونه ادبی: غیر داستانی

رویداد اصلی: رویش گیاهان

عناصر اصلی: گیاهان، درختان و میوه‌ها

شخصیت اصلی: شخصیت اصلی انسانی یا حیوانی

ندارد

مکان اصلی: طبیعت



تصویر ۴: تصویرسازی درس چهارم

کتاب دینی چهارم سال ۱۳۶۰

تشریح متن: درس با نگاهی علمی و گیاهشناسانه به توضیح نحوه رشد و نمو گیاهان و طرز میوه دادن آنها می‌پردازد و با اشاره به جزئیات ساختمان و سازوکار برگ و میوه و... نتیجه می‌گیرد

که وجودی دانا و توانا با آگاهی از نیازهای نباتات و جانوران قادر بر رفع نیازهای آنهاست. اشکالات متن را می‌توان چنین برشمرد: تأکید بیش از حد روی جزئیات علمی و گیاه‌شناسی، انتخاب نکردن قالب ادبی مناسب، لحن خشک و رسمی و مقاله‌وار آن، بهره‌گیری از داستان و روایت و توجه بیشتر به اقتضائات سنی مخاطب نوجوان و تمرکز بیشتر روی مفهوم خداشناسی می‌توانست بر جذابیت‌های متن و میزان تأثیرگذاری آن بیفزاید.

تصویرسازی: تصویرسازی این درس چیزی فراتر از اجرای نسبتاً دقیق چند میوه در ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین ترکیب ممکن بر روی یک سطح نیست؛ بدون فضاسازی، بدون شخصیت، بدون هیچ‌گونه روایت‌گری و بدون هرگونه مفهوم یا معنایی. اگرچه داستانی در متن وجود ندارد، ولی در آن رویکرد خود را از تشریح اجزای گیاهان به روشنی بیان می‌کند که همان دیدگاه قرآنی به پدیده‌های طبیعی است که هر آفریده‌ای آیه و نشانه‌ای از خداست. این منظر به طبیعت باید در تصویرسازی خود را نشان دهد؛ زیرا پیام اصلی درس آشنایی با ساختمان گیاهان نیست و این وظیفه بر عهده کتاب علوم است. رسالت این درس آموزش خداشناسی به وسیله تعمق در ساختمان و عملکرد گیاهان است. تصویرگر اگر از این زاویه به میوه و برگ نگاه نکند، مهم‌ترین کارکرد این‌گونه تصویرسازی نادیده گرفته شده است. در تصویرسازی موجود هیچ تلاش فکری و خلاقانه‌ای از سوی تصویرگر به چشم نمی‌خورد. او هیچ تحلیلی از محتوای متن برای خود انجام نداده است؛ بنابراین وقتی تحلیل درستی از متن نداشته باشد به دنبال راه‌حل بصری برای بیان آن مفهوم نمی‌تواند باشد. بنابراین، تصاویر این درس در حد چند عکس میوه است و حتی ترکیب‌بندی و صفحه‌آرایی مناسبی برای آن طراحی نشده تا از لحاظ تزئینی و تنوع بصری صفحه را چشم‌نوازتر کند. کل تصویر به شکل توده‌ای بدون قالب و طراحی کنار هم فشرده شده و در صفحه‌ای دیگر تمام متن بدون هیچ توجهی به آرایش فضای منفی و مثبت، چرخش رنگ و توزیع متنوع نوشته و تصویر آورده شده است. حضور شخصیت‌های انسانی و حیوانی می‌توانست تصویر را جان ببخشد و احساس و زندگی را به صحنه بدهد که به همراه خود حداقلی از روایت را وارد تصویرسازی کند و تخیل و پرواز ذهن دانش‌آموز را در پی داشته باشد که مجموعه‌ای از این تمهیدات، اندیشه مخاطب را به سمت معانی متن سوق می‌دهد؛ اما تصاویر موجود، راه را بر هرگونه برداشت عمیقی از تصویر بسته و به همان جسمانیت میوه محدود کرده است.

جدول ۶: مقایسه اجزا و وجوه گوناگون متن و تصویرسازی درس چهارم تعلیمات دینی چهارم ابتدایی سال ۱۳۶۰؛
«خدای دانا، توانا و بخشنده»

بارم	متن	تصویرسازی	میزان انطباق متن و تصویرسازی
۲۰	خداشناسی، دانایی، توانایی	آشنایی با فرآورده‌های کشاورزی	۴۹٪
۲۱	تدبیر و حکمت الهی	کشاورزی	۶۴٪
۲۲	نظم، دقت	فاقد احساس	۶۳٪
۲۳	تعلیمی	غیرروایی	۷۴٪
۲۴	رسمی و جدی	واقع‌گرا	۷۵٪
۲۵	نثر ساده و خشک علمی	پرباخت دقیق و ظریف	۸۵٪
۲۶	سازگار و آفریننده مواد غذایی در گیاهان	بدون روایت تصویری	۶۴٪
۲۷	خدا	بدون شخصیت	۶۴٪
۲۸	میوه و برگ	میوه و برگ	۵۵٪
۲۹	باغ و طبیعت	بدون فضا	۳۳٪
۳۰	بدون زمان مشخص	بدون زمان	۳۴٪
۳۱			۸۴٪



تعلیمات دینی سال ۱۳۹۴

درس اول

عنوان: خنده‌ها و گریه‌های من

مفهوم اصلی: دانایی و توانایی خدا، نعمت‌های خدا

مفاهیم فرعی: اصالت خانواده، خاطره کودکی، ارتباط

نسل‌ها، مهمانی

احساس غالب: احترام، قدرشناسی

گونه ادبی: واقع‌گرا، لحن ساده، کودکانه، گزارشی و اول

شخص

رویداد مهم: مهمانی، خنده و گریه دختر بچه،

بوسیدن او توسط بزرگ‌ترها

شخصیت‌ها: دختر بچه (زهرا)، مادر، پدر، مادر بزرگ، پدر بزرگ، خاله

فضا: داخل خانه

زمان: معاصر، روز جمعه

اشیای مهم: آلبوم عکس

تصویر ۵: تصویرسازی درس اول

کتاب دینی چهارم سال ۱۳۹۴

تشریح متن: داستان دختر بچه‌ای است که پدر بزرگ و مادر بزرگش مهمانشان هستند و با دیدن عکس‌های جوانی آنها و نوجوانی خاله و دایی‌اش و نوزادی خودش خاطراتی از کودکی‌اش بیان می‌شود. برای نشان دادن اینکه خدا دانا و تواناست و از نیازهای انسان از نوزادی تا بزرگسالی آگاه است و راه‌هایی برای برطرف کردن آن نیازها در نظر گرفته است.

اگرچه نویسنده برای بیان ابعادی از وجود خداوند روش غیر مستقیم و ملموسی را به کار گرفته و با بیان قصه‌ای معاصر و فضایی آشنا قصد دارد به شکلی تمثیلی دانش‌آموز را به وجوهی از صفات خداوند آشنا کند، ولی ارتباط داستان با مفهوم مورد نظر که دانایی و توانایی خداوند است ضعیف و گنگ به نظر می‌رسد.

تصویرسازی: تصویرسازی این درس به شیوه عکاسی انجام شده و موقعیت کلی داستان با اشخاصی واقعی چینی و عکاسی شده است. تصویر اصلی حدود یک سوم صفحه را اشغال کرده است و تصویر دیگر حدود یک نهم صفحه رو به‌رو را به خود اختصاص داده و حدود سه چهارم پس‌زمینه متن و تصویر با رنگ سبز، زرد تندی پوشانده شده و بقیه رنگ پس‌زمینه را رنگ بنفش

روشنی شامل می‌شود که داستان نقطه عطفی ندارد؛ بنابراین تصویرگر خیلی انتخاب‌های بارز و ویژه‌ای برای گزینش زمان اوج یا مهم قصه نداشته چون از ابتدا تا انتها یک موقعیت بدون فراز و فرود روایت می‌شود. چینش افراد داستان در یک ردیف و یک پلان با حالتی مشابه است و تقریباً همگی روی مبل با حالتی رسمی و ساختگی نشسته‌اند، زاویه دید هم از روبه‌رو و هم‌تراز چشم و فاصله دید هم دور (لانگ شات) است. یکی از تم‌های داستان ترسیم یک جمع خانوادگی و ارتباط و پیوند نسل‌هاست و انتخاب یک ساختار خطی این همدلی و صمیمیت را القا نمی‌کند؛ به‌ویژه اینکه فضا کاملاً حذف شده و دو رنگ گاه تخت، گاه با گرادینت، حسی ماشینی و کامپیوتری به اثر بخشیده است؛ در صورتی که بهره‌گیری از ترکیب‌بندی مدور و حالت نشستن روی زمین با وضعیت‌های متنوع می‌توانست ارتباط‌های جمعی و چند نفره را قوی‌تر بیان و صمیمیت و همدلی بیشتری را القا کند و یکنواختی و سکون صحنه را برطرف نماید.

به‌کارگیری شیوه عکاسی برای اجرای چنین موضوعی و چنین رده سنی گزینش مناسبی نیست؛ زیرا داستانی خیالی است و در آن تخیل کودک شخصیت اول، نقش مهمی دارد و چند زمان در حال بیان شدن است و عکاسی برای بازنمایی چنین مضمونی محدودیت‌هایی دارد و ثانیاً اینکه برای کودک ده تا یازده ساله مخاطب کتاب این حد از واقع‌گرایی فاقد گیرایی و جذابیت است.

غیر از نحوه چینش و میزان سن افراد، حالت‌های بدن آنها باید زنده، پرتحرک، متنوع و بیانگر شخصیت آنها و نشان‌دهنده حس درونی‌شان باشد که در اینجا این چنین نیست؛ گزینش اشخاصی با چهره‌های جذاب و چهره‌آزایی متناسب با شخصیت آنها و انتخاب و طراحی لباس مناسب با رنگ و نقش، ارتباط دانش‌آموز را با تصویر قوی‌تر می‌کند. پوشش دو خانم سمت راست تصویر یک‌سره تیره و مشکلی است با لباسی نسبتاً رسمی بدون طراحی خاصی و کت و شلوار رسمی پدر بزرگ و چادر مادر بزرگ حسی مصنوعی و نامأنوس به صحنه می‌بخشد؛ زیرا ما در میهمانی خودمانی فرزندان، پدر و مادر و پدر بزرگ، مادر بزرگ داخل منزل به چنین پوششی عادت نداریم و برای کودک غریبه می‌نماید. رنگ نزدیک به خاکستری آنها این امر را تشدید می‌کند. تصویرگر می‌توانست با انتخاب لباسی که هم شأنیت آنها رعایت شود هم ملاحظات حجاب اسلامی لحاظ شود، رنگ و بویی صمیمانه، گرم و چشم‌نواز به صحنه بیخشد. تصویر به‌طور کلی فاقد فضا‌سازی است و تصویرگر پس‌زمینه عکس را حذف کرده و چندرنگ تخت خام و خالص قرار داده است. فضا‌سازی مناسب می‌توانست به نشان دادن حال و هوای داستان و معنای نهفته در آن کمک شایانی کند به شیوه‌ها و منظرهای مختلف؛ چه یک فضا‌سازی واقع‌گرا با نمایش محیط یک خانه سنتی یا معاصر و آشنای ایرانی یا فضایی چندزمانی هم‌راستا با تم خاطره درون قصه یا با نگاهی به مفاهیم

ضمنی متن مانند دانایی و توانایی خداوند. فضاسازی بیانگر روابط میان اشخاص صحنه و حس موقعیت است. در اینجا تصویرگر با حذف فضا در عمل این امکان را از خود سلب کرده و بر بی‌روح بودن و ساختگی بودن تصویر افزوده است. از نظر تکنیکی افکت داده شده به عکس چنان خام و بی‌مورد است که منطقی برای آن نمی‌توان یافت، جز سرپوش گذاشتن بر ضعف‌های ساختاری و دادن جلوه‌ای تصویرگرانه به عکس که نتیجه‌ای جز لطمه به اثر در بر ندارد. در مجموع به نظر می‌رسد تصویرگر تأمل و مذاقه‌ای روی حس و حال متن و پیام‌های پیدا و پنهان داستان نداشته تا راه‌حل‌های بصری مناسب را برای بازنمایی آنها ارائه کند. کم‌توجهی به قابلیت‌ها و امکانات زبان تصویر، کیفیت‌های بصری و عناصر دیداری کل اثر را به تصویرسازی‌ای نامناسب و نادرست بدل کرده و از انجام وظیفه و رسالتی که بر عهده تصویرگر است برای بیان مفاهیم صریح و ضمنی اثر برنیامده است که در ابتدا بیان شد.

جدول ۷: مقایسه اجزا و وجوه گوناگون متن و تصویرسازی درس اول هدیه‌های آسمان چهارم ابتدایی ۱۳۹۳؛ خنده‌ها و گریه‌های من

جمع کل	زمان	فضا	عنصر مهم	شخصیت	رویداد اصلی	کیفیت و شیوه اجرا	سبک	ژانر	احساس غالب	مفهوم اصلی	هدف اصلی وزارت آموزش و پرورش	بارم
۱۰۰	۴	۴	۵	۶	۷	۱۰	۸	۱۰	۱۲	۱۵	۲۰	متن
	معاصر، روز جمعه	خانه زهرا	آلبوم	زهرا (دختر بچه)، مادر، پدر، مادر بزرگ و پدر بزرگ	مهمانی خاطره	نثر گزارشی، اول شخص	صمیمی و خودمانی	داستانی	همدلی، خاطره	خداشناسی، خانواده	خداشناسی، دانایی، توانایی	
	معاصر، روز	بدون فضا	-	زهرا، مادر، مادر بزرگ، پدر بزرگ	مهمانی	عکاسی جلوه‌رئانه ناشیانه، ساختار تخت و ابتدایی	واقع‌گرا	نسبتاً روانی	رسمیت خوشی مصنوعی	با هم بودن مراسم خانگی	نمایش رابطه چند نفر	تصویرسازی
۳۰٪	۲۶٪	۲۲٪	۲۲٪	۴۰٪	۳۲٪	۲۶٪	۲۹٪	۳۹٪	۳۵٪	۳۱٪	۳۲٪	میزان انطباق متن و تصویرسازی

درس دوم

اهداف کلی: درک دانایی و توانایی خداوند

مشخصات متن

عنوان درس: شامگاه پاییزی

مفهوم اصلی: دانایی و توانایی خدا

مفاهیم فرعی: ایثار، کمک به دیگران

گونه ادبی: داستانی، تخیلی

رویداد اصلی: کمک به بچه خرگوش‌ها

شخصیت‌ها: بچه خرگوش‌ها، خرگوش مادر، آهو

فضا: جنگل

زمان: پاییز، شب

عناصر دیگر: ماه، باد، غذای خرگوش‌ها



تصویر ۶: تصویرسازی درس دوم کتاب

دینی چهارم سال ۱۳۹۴

تشریح متن: بچه خرگوش‌ها منتظر مادر هستند تا برایشان غذا بیاورد ولی از اینکه مادر به دام شکارچی افتاده بی‌خبر هستند. آهوایی از حال آنها و اتفاقی که برای مادرشان افتاده باخبر است؛ از این رو علوفه‌ای که برای بچه‌های خود جمع کرده، پنهانی برای بچه خرگوش‌ها می‌گذارد تا آنها غذایشان را فرستاده از سوی مادر بدانند که همیشه به یاد آنهاست و از حال آنها آگاه است. نویسنده به شکل تمثیلی نتیجه می‌گیرد که خدا مانند مادر از نیازهای انسان‌ها آگاهی دارد و هیچ وقت انسان‌ها را به حال خود رها نمی‌کند. نویسنده تلاش کرده یک مفهوم ذهنی و انتزاعی مانند دانایی و آگاهی خداوند را در قالب داستانی تخیلی و کودکانه با محوریت حیوانات بیان کند. مقصود این است که دانش‌آموز از یک جزء به کل برسد؛ یعنی داستان ملموس و قابل فهمی مانند آگاهی مادر از نیازهای کودک و توانایی رفع آنها تمثیلی برای معرفی دانایی خدا از نیازهای موجودات و توانایی او در رفع آنها باشد؛ شیوه‌ای غیرمستقیم برای آموزش دینی که راهبرد مؤثری به نظر می‌رسد؛ ولی به نظر می‌رسد اگر شخصیت‌پردازی بچه خرگوش‌ها بیشتر و بهتر صورت می‌گرفت، همدلی بیشتری در مخاطب ایجاد می‌کرد. اگر فضا سازی قصه نیز فصل زمستان در نظر گرفته می‌شد، وضعیت بحرانی بچه خرگوش‌ها و احساس نیاز آنها به غذا شدیدتر بیان می‌شد که گره اصلی داستان هستند.

تصویرسازی: اثر حال و هوایی شاعرانه و غم‌انگیز دارد و حسی از انتظار و بیم و امید در آن

دیده می‌شود. روحیه تصویر نه شادی و کامیابی محسوس می‌دارد، نه یأس و نگرین بختی مطلق؛ بلکه حسی از خوف و رجاء در کل صحنه به چشم می‌خورد. مجموع این حس‌ها هم با فضا سازی و هم با حالت بدن و نگاه نگران بچه خرگوش‌ها و حضور آهو منتقل می‌شود. فضای شب با غلبه حدود هفتاد درصد سهم آسمان به زمین و حضور ماه و ستارگان حالتی رؤیایی و هم‌انگیز دارد. از نظر نورپردازی، تاریکی حاکمیت دارد و رنگ آبی تیره‌ای که بر کل کار سیطره دارد، حس اضطراب و ابهام صحنه را افزایش می‌دهد؛ ولی نور گسترده ماه کامل احساسی از گشایش و بهبودی اوضاع می‌دهد که با حضور انبوه ستارگان تقویت می‌شود. حضور خیال‌گونه آهو به مانند منجی‌ای فرازمینی می‌تواند تمثیلی از امید و رهایی باشد. دوردست بودن آهو (دست نیافتنی)، بر فراز تپه بودن و رنگ تخت و یکدست آبی آن و فاقد جزئیات (به‌ویژه چهره) بودن او حالتی اسطوره‌ای و قهرمانی نزدیک به نقشی که در داستان برایش تعریف شده به وی می‌دهد.

مفهوم اصلی داستان دانایی خداوند است و گویی آهو در اینجا فرستاده خداست که از حال بچه خرگوش‌ها هم غافل نیست و برای نجات آنها مأمور است که نماد مخلوقات هستند. بچه خرگوش‌ها که شخصیت‌های محوری قصه هستند در پلان اول قرار گرفته‌اند؛ ولی با این حال فاصله قابل توجهی با ما دارند. اصولاً نمای بسیار دور، (مانند اینجا) برای معرفی فضا و موقعیت اشخاص و صحنه مناسب است؛ ولی برای نشان دادن حالات درونی، نماهای نزدیک کارآمدترند؛ از این رو با نزدیک‌تر شدن خرگوش‌ها به ما هم‌دلی بیشتری با مخاطب ایجاد می‌شود.

با درشت‌تر شدن بدن و صورت خرگوش‌ها هم حالت‌های احساسی و درونی آنها مؤثرتر بیان می‌شود، هم صحنه را زنده‌تر می‌کند و هم تنوع بصری فضا نیز به‌لحاظ اندازه فرم‌ها و پلان‌بندی افزایش می‌یافت. مشکل دیگری که به‌لحاظ بصری به چشم می‌خورد، تناقض میان رنگ‌های سرد شب و رنگ‌های گرم پاییز است که در داستان آمده و تصویرگر رنگ‌های سرد خانواده آبی را برگزیده و صحنه به‌طور کلی فاقد رنگ‌های پاییزی و گرم است که این با متن همخوانی ندارد؛ ولی انتخاب رنگ‌های هارمونیک سرد شاید تأکیدی بوده بر لُختی و بی‌چیزی دشت که در قصه آمده است؛ ولی تصویرگر باید راهی برای نشان دادن پاییز و خالی بودن زمین از هرگونه گیاه و خوردنی طبق منطق قصه پیدا می‌کرد. اینکه کدام مقطع از ماجرا انتخاب شود از مسائل مهم برای تصویرگر است؛ در صحنه تصویرشده مشخص نیست دقیقاً چه فرازی از ماجراست؛ آیا پس از غذا آوردن آهو است یا پیش از آن. معمولاً بهترین حالت انتخاب، نقطه عطف اصلی است که در اینجا آوردن علف توسط آهو برای خرگوش‌هاست؛ این ابهام در موقعیت تصویرشده ارتباط مخاطب را با تصویر سست می‌کند؛ برای مثال آشکار نیست که توده سبزه‌های گوشه پایین سمت راست، بوته از

زمین رسته است یا علف‌هایی است که آهو برای خرگوش‌ها آورده است. اگر بوته است، چرا خرگوش‌ها منتظر غذا هستند؛ اگر آهو آورده چرا برخلاف متن توجهی به آن ندارند. صراحت و وضوح در حالت‌ها و ارتباط عناصر تصویری تأثیر پیام‌های بصری را قوی‌تر می‌کند و تکلیف بیننده با اثر روشن‌تر می‌شود. تردیدی که در اینجا هست ارتباط بصری با دانش آموز را مختل می‌کند. در مجموع، تصویر تا حد قابل قبولی به روایت وفادار است؛ ولی مفاهیم ضمنی داستان، (دانایی و توانایی خداوند) مورد بی‌توجهی تصویرگر قرار گرفته است.

جدول ۸: مقایسه اجزا و وجوه گوناگون متن و تصویرسازی درس دوم هدیه‌های آسمان چهارم ابتدایی، ۱۳۹۳؛ شامگاه پاییزی

بارم	متن	تصویرسازی	میزان انطباق متن و تصویرسازی
۱۰۰	جمع کل		%۴۹
۳	زمان	شب، پامیز، شب	%۴۰
۴	فضا	جنگل	%۴۳
۵	عنصر مهم	ماه، غذا (علوفه)	%۴۵
۶	شخصیت	بچه خرگوش‌ها، خرگوش، آهو	%۵۱
۷	رویداد اصلی	بچه خرگوش‌ها، خرگوش، آهو	%۴۵
۸	اجرا کیفیت و شیوه	غذا آوردن آهو برای بچه خرگوش‌ها، نجات آنها نثر گزارشی، سوم شخص، عبارات و واژگان ساده و روان	%۴۹
۸	سبک	صمیمی و خودمانی	%۴۸
۱۰	ژانر	داستانی	%۵۶
۱۲	احساس غالب	نگرانی، توکل	%۴۹
۱۵	مفهوم اصلی	خداشناسی، کمک به دیگران	%۵۵
۲۰	هدف اصلی وزارت آموزش و پرورش	خداشناسی، دانایی، توانایی	%۵۶
		تصویرسازی	
		شخص نامشخص، شب، دشت، ماه	
		بچه خرگوش‌ها، آهو، چشم به راهی بچه خرگوش‌ها	
		ساختار ایستاد و متوازن، پر جزئیات، آبرنگ	
		فانتزی	
		روایی	
		ابهام، وهم‌انگیزی، ترس، امید	
		خداشناسی، چشم‌انتظاری	
		خداشناسی، امید	

درس سوم

مشخصات درس

عنوان: کودکی بر آب

مفهوم اصلی: دانایی و توانایی خداوند

گونه ادبی: داستانی، تاریخی

رویداد اصلی: نجات موسی در کودکی

زمان داستان: حدود دو هزار و هفتصد سال

پیش، روز

مکان: مصر، رودخانه، کاخ

شخصیت‌ها: کودکی موسی، مادر موسی، آسیه، فرعون

اشیای مهم: صندوقچه

تصویر ۶: تصویرسازی درس دوم کتاب

دینی چهارم سال ۱۳۹۴

تشریح متن: این داستان درباره کودکی حضرت موسی (علیه السلام) و به داخل صندوقچه گذاشتن و به رودخانه انداختن او برای نجات جاننش از دست سربازان فرعون است که آسیه او را پیدا کرده و در دربار فرعون مادرش دایه او می‌شود. داستان در عین بیان یک روایت تاریخی واقعی و آشنایی با بخشی از زندگی یکی از پیامبران، دانایی خدا از احوال بندگان و توانایی او را در یاری رساندن به انسان بیان می‌کند. نویسنده مقطع مناسب از زندگی حضرت موسی (علیه السلام) را برگزیده که کودکی اوست تا مخاطب ارتباط بیشتری با آن برقرار کند. قرار است دانش آموز به شکل غیرمستقیم دریابد که خدا بر احوال همه حتی کودک گذاشته شده درون صندوقچه و رها در امواج متلاطم رودخانه آگاه و داناست و بر نجات و سعادت او توانا. داستان تا حدی هیجان و تعلیق دارد تا گیرایی لازم را داشته باشد. توکل به خدای مادر حضرت موسی از مضامین فرعی داستان است.

تصویرسازی: تصویرگر تقریباً از کل فضای دو صفحه روبه‌رو استفاده کرده است؛ اگرچه بیشتر عناصر تصویری در صفحه سمت چپ و کل متن در صفحه سمت راست جای داده شده است. تصویر لحنی عاطفی از لحظه خداحافظی مادر با نوزاد دل‌بندش دارد؛ حسی دوگانه در صحنه هست: از سویی سپردن کودکی ناتوان به امواج مهیب با سرانجامی نامشخص، و از سوی دیگر نجات او از دست دژخیمان بی‌رحم فرعون که لحظه‌ای دراماتیک و متناقض است. انتخاب این فراز از قصه گزینش مناسبی است؛ ولی بازنمایی این حس‌های عاطفی و درونی با حالت‌های چهره

و بدن و فضا‌سازی مناسب و حتی یاری گرفتن از عناصر تخیلی جزء وظایف حتمی و حیاتی تصویرگر است.

در اینجا موقعیت دو شخصیت اصلی یعنی کودک درون صندوقچه و مادر چیدمان مناسبی دارد و حالت بدن مادر هم تا حدی قابل قبول است؛ اگرچه کمی خشک و ساختگی است. در چهره مادر غم و نگرانی دیده می‌شود؛ ولی امید و توکل و رضایت ناشی از نجات فرزند در صورت و حالت بدن مادر قابل تشخیص نیست. تصویرگر از امکانات و قابلیت‌های فرا واقعی و خیالی بهره‌ای نبرده است؛ در صورتی که داستان وجوه ماوراء الطبیعه و معناگرایانه قوی دارد.

اگر سبک بصری اثر به سورئالیسم میل می‌نمود، تمهیدات تصویری فراوانی برای بیان مضامین نهفته در قصه در اختیار تصویرگر بود که به چند مورد آن اشاره می‌شود: با تمهیدی مانند شفاف کردن صندوقچه درون آن نمایان می‌شد تا کودک هویدا گردد که قهرمان ماجراست و ما چهره و اندام او را ببینیم و حس و حال او را مشاهده کنیم و از وضعیت شخصیت اول داستان دقیقاً باخبر شویم. با این ترفند ارتباط دانش‌آموز با تصویر و محتوای آن محکم‌تر می‌شد. همراهی چند پرنده فرشته‌مانند یا موجودات افسانه‌ای همچون پری دریایی می‌توانست تمثیلی باشد؛ همراهی و مشایعت مأموران الهی برای مراقبت و مواظبت از او، که هم نشانه‌ای است از منزلت خاص نبوت او هم اشاره‌ایست بر آگاهی خداوند از حال موسی و توانایی او بر محافظت از وی که در این صورت اهداف کلی درس برآورده می‌شود. تصویرگر حتی با شخصیت‌بخشی به رودخانه و آب می‌توانست آن را نیز با نگاهی دینی سفیر الهی برای به ساحل نجات و بهروزی رساندن موسی تصویر کند. اصولاً تشدید و اغراق بصری نیروهای خیر و شر موجود در متن باعث تأثیر و گیرایی بیشتر تصویر شده و صحنه را از حالت خنثی و بی‌تفاوت، (مانند اینجا) خارج می‌کند. نمایش نیروهای اهریمنی مانند فرعون و سربازانش بر شور و هیجان تصویر می‌افزود و دانش‌آموز را بیشتر درگیر ماجرا می‌کرد و پیام‌های متن جلوه بصری افزون‌تری می‌یافت.

جدول ۹: مقایسه اجزا و وجوه گوناگون متن و تصویرسازی درس سوم هدیه‌های آسمان چهارم ابتدایی ۱۳۹۳؛ کودکی بر آب

هدف اصلی وزارت آموزش و پرورش	مفهوم اصلی	احساس غالب	ژانر	سبک	اجرا کیفیت و شیوه	رویداد اصلی	شخصیت	عنصر مهم	فضا	زمان	جمع کل
۲۰	۱۵	۱۲	۱۰	۸	۱۰	۷	۶	۵	۴	۴	۱۰۰
رهانشدن، بی‌پناهی	فراق، جدایی	ترجمه انگیزی، نگارانی	روایی	فانتزی	آبرنگ	جدایی موسی از مادر	موسی، مادر موسی، خواهر موسی	صندوقچه، رود نیل	رود نیل، اهرام مصر	گذشته	
توانایی نجات آنها	دائمی و توانایی خدا، آگاهی او از حال همه، توانایی نجات آنها	اعتماد و توکل به خدا	داستانی	ساده و متعادل	نثر گزارشی، سوم شخص	بارگشت موسی به آغوش مادر	موسی، آسیه، فرعون، یوکاید خواهر موسی	صندوقچه حامل رود نیل	کاخ فرعون، رود نیل	چهارهزار سال پیش	
میزان انطباق متن و تصویرسازی	%۴۸	%۴۷	%۵۶	%۴۶	%۴۹	%۴۱	%۴۴	%۴۲	%۴۸	%۳۷	%۴۶

مقایسه تصویرسازی‌های درس اول دو کتاب چهارم سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۹۴

در مقایسه این دو درس با توجه به اشتراکاتی همچون پایه تحصیلی مشترک چهارم دبستان، موضوع مشترک دینی و هدف مشترک اصلی تعریف شده از سوی آموزش و پرورش دانایی و توانایی خدا می‌بینیم که در مقطع زمانی ۱۳۶۰ متن غیرداستانی است و از طریق شناخت اعضا و دستگاه‌های بدن، نویسنده قصد دارد خداشناسی آموزش بدهد. تصویرگر نیز به دنبال آن از گونه تصویرسازی علمی پزشکی بهره برده است که از این نظر انطباق تصویرسازی با اهداف درس و مفهوم محوری آن بسیار ضعیف است؛ اگرچه نقاط قوی مانند اجرای قابل قبول در آن دیده می‌شود. در مقابل، در مقطع زمانی ۱۳۹۴ با متنی داستانی و لحنی صمیمی و کودکانه مواجهیم که شخصیت اصلی آن دختر بچه‌ای همسن و سال مخاطب کتاب است؛ اما این تغییر رویکرد در متن، در تصویرسازی به شکل ضعیفی بروز پیدا می‌کند و تصویرگر، فرصت ایجاد یک تصویرسازی صمیمانه و هم‌راستا با مضمون درس را از دست می‌دهد. در تصویرسازی سال ۱۳۶۰ این درس لحن علمی و جدی است، بدون شخصیت خاصی یا روایت و احساس و عاطفه انسانی. اما در تصویرسازی سال

۱۳۹۴ همین درس به شکل ضعیفی هم روایت، هم احساس و عاطفه انسانی به دلیل حضور شخصیت‌های انسانی دیده می‌شود اگرچه در هر دو درس نویسنده می‌خواسته خداشناسی را به طور غیرمستقیم بیان کند. اما در تصویرسازی سال ۱۳۶۰ نه تنها کمترین توجهی به مفهوم خداشناسی دیده نمی‌شود، بلکه هیچ مفهوم و معنایی نیز به ذهن متبادر نمی‌کند. در تصویرسازی سال ۱۳۹۴ اگرچه مفهوم خداشناسی به طور مستقیم رسانده نمی‌شود، ولی تا حدی مفاهیم انسانی چون همدلی و محبت به بزرگ‌ترها قابل دریافت است و از این نظر گامی به جلو به شمار می‌رود. در مجموع مشاهده می‌شود که امتیاز کل تصویرسازی سال ۱۳۹۴ حدود دو برابر امتیاز کل تصویرسازی سال ۱۳۶۰ است.

جدول ۱۰: مقایسه میزان انطباق متن و تصویرسازی درس اول تعلیمات دینی چهارم ابتدایی ۱۳۶۰؛ «خدا سرچشمه آفرینش» و ۱۳۹۴ «خنده‌ها و گریه‌های من»

جمع کل	زمان	فضا	عناصر مهم	شخصیت	رویداد اصلی	اجرا (شیوه و کیفیت)	سبک	ژانر	احساس غالب	مفهوم اصلی	هدف اصلی وزارت آموزش و پرورش	
	%۴۳	%۳۵	%۵۵	%۳۸	%۳۸	%۵۴	%۵۵	%۴۶	%۳۹	%۴۲	%۴۴	میزان انطباق متن و تصویرسازی درس اول ۱۳۶۰
	%۲۶	%۲۳	%۲۲	%۴۰	%۳۲	%۲۶	%۲۹	%۳۹	%۳۵	%۳۱	%۳۲	میزان انطباق متن و تصویرسازی درس اول ۱۳۹۴

مقایسه تصویرسازی درس‌های دوم پایه چهارم سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۹۴

درس دوم پایه چهارم کتاب دینی دوره اول با محوریت نعمت آب و فواید آن، دانایی و توانایی خدا را اثبات می‌کند. متن علمی، غیرداستانی، لحنی جدی و رسمی دارد؛ اما تصویرگر با حضور یک پسر بچه و یک گوسفند وجهی نسبتاً روایت‌گرایانه به آن داده و با نوع طراحی و اجرای آن کمی لحن نوجوانانه به آن بخشیده است؛ اگرچه همچنان غلبه بر رئالیسم و جدیت است. اما در درس دوم همین پایه در دوره دوم به تبع متن که داستانی فانتزی با لحنی صمیمی است، تصویرسازی هم تخیلی، فانتزی و کودکانه است. از این نظر، می‌تواند ارتباط بیشتری با مخاطب برقرار کند. از نظر ارتباط با مفهوم دانایی و توانایی، خداوند تصویرسازی دوره اول توجه خود را معطوف به لایه بیرونی متن کرده و توجه خاصی به هدف خداشناسی درس نکرده است و صرفاً یک موقعیت مادی

و زمینی تصویر شده است که حتی احساسات درونی انسانی هم در آن به چشم نمی‌خورد؛ اما در تصویرسازی دوره دوم، اگرچه مستقیماً بیانی از خداشناسی دیده نمی‌شود، اما مفاهیم معنوی و احساسات انسانی نزدیک به خداشناسی در تصویر به چشم می‌خورد؛ مفاهیمی مانند امید و توکل و یاری رساندن در تصویر قابل استنباط است. از این دلایل تصویرسازی دوره دوم نسبت به دوره قبل برتری محسوسی دارد.

جدول ۱۱: مقایسه میزان انطباق متن و تصویرسازی درس دوم تعلیمات دینی چهارم ابتدایی ۱۳۶۰؛ «آب نعمت زندگی‌ساز» و ۱۳۹۴ «شامگاه پاییزی»

جمع کل	زمان	فضا	عصر مهم	شخصیت	رویداد اصلی	اجرا کیفیت و شیوه	سبک	ژانر	احساس غالب	مفهوم اصلی	هدف اصلی وزارت آموزش و پرورش	
	%۴۸	%۶۴	%۶۸	%۵۶	%۵۴	%۴۸	%۴۵	%۵۰	%۶۱	%۵۷	%۶۰	میزان انطباق متن و تصویرسازی ۱۳۶۰
	%۴۰	%۴۳	%۴۵	%۵۱	%۴۵	%۴۹	%۴۸	%۵۶	%۴۹	%۵۵	%۵۶	میزان انطباق متن و تصویرسازی ۱۳۹۴

مقایسه تصویرسازی درس‌های سوم پایه چهارم دو دوره

درس سوم پایه چهارم دوره اول با محوریت درخت سیب به آموزش خداشناسی می‌پردازد. تصویرسازی این درس هم به سبک و سیاق درس قبل نگرشی واقع‌گرایانه دارد با تصویر کردن یک موقعیت ساده و اضافه کردن کودک بدون توجه به مفهوم خداشناسی یا هر معنای معرفت‌شناسانه دیگر؛ اما در سویی دیگر در درس سوم دوره دوم که داستان کودکی حضرت موسی (علیه السلام) است البته با تأکید بر وجوه خداشناسانه آن. تصویرسازی اگرچه لحنی نوجوانانه دارد و طراحی و رنگ‌ها لطیف و دلپذیرند و تا حدی قصه را روایت می‌کند، اما همانند تصویرسازی دوره اول به مفهوم دانایی و توانایی خدا بی‌توجه است. بنابراین، از نظر توجه به سن مخاطب و صمیمیت، لحن بصری ارتقا پیدا کرده است؛ ولی از نظر بی‌توجهی به لایه‌های درونی متن که هدف اصلی درس می‌باشد هر دو مشابه و مشترک هستند.

جدول ۱۲: مقایسه میزان انطباق متن و تصویرسازی درس سوم تعلیمات دینی چهارم ابتدایی سال ۱۳۶۰؛ «درخت سبب درس خداشناسی می‌دهد» و سال ۱۳۹۴ «کودکی بر آب»

میانگین کل	زمان	فضا	عنصر مهم	شخصیت	رویداد اصلی	اجرا کیفیت و شیوه	سبک	زبان	احساس غالب	مفهوم اصلی	هدف اصلی وزارت آموزش و پرورش	
میزان انطباق متن و تصویرسازی ۱۳۶۰	۴۱٪	۵۲٪	۶۴٪	۴۹٪	۵۰٪	۵۵٪	۵۴٪	۵۱٪	۴۸٪	۵۴٪	۵۵٪	میزان انطباق متن و تصویرسازی ۱۳۶۰
میزان انطباق متن و تصویرسازی ۱۳۹۴	۳۷٪	۴۸٪	۴۲٪	۴۴٪	۴۱٪	۴۹٪	۴۶٪	۵۶٪	۴۷٪	۴۸٪	۵۰٪	میزان انطباق متن و تصویرسازی ۱۳۹۴

نتیجه‌گیری

میانگین کل نمره تصویرسازی هفت درس مربوط به خداشناسی پایه چهارم دو سال ۱۳۶۰ و ۱۳۹۴ مساوی ۴۶ درصد است که نشان می‌دهد به‌طور کلی میزان انطباق تصویرسازی‌ها با متن متوسط ضعیف بوده و تطابق نسبتاً کمی با متن داشته است. میانگین نمره تطابق تصویرسازی با متن سال ۱۳۶۰ برابر ۴۹/۵ درصد است که ارزیابی‌ای کاملاً متوسط می‌باشد که در قیاس با نمره ۴۱/۶ دوره دوم (۱۳۹۴) که متوسط ضعیف است یک افت ۸ درصد را نشان می‌دهد. پنج شاخصه اول وجوه بنیادین و مضمونی بوده و ضرایب بالاتری برای آن در نظر گرفته شده است. تصویرسازی‌های هفت درس دو دوره (۱۳۶۰ و ۱۳۹۴) معدل ۴۹ درصد را کسب کرده‌اند. در قیاس دو دوره، در کتاب سال ۱۳۶۰ برای پنج شاخصه اول میانگین ۵۰ درصد است و برای دوره دوم (۱۳۹۴) میانگین ۴۵ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد در دوره دوم تصویرگران به اهداف و مفاهیم و مضمون متن توجه کمتری داشته‌اند و افت نسبی در این شاخص‌ها به چشم می‌خورد. در شش شاخص دوم که به ارزیابی وجوه اجرایی و شکلی می‌پردازد: برای کل هفت درس دو کتاب سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۹۴ مورد مطالعه قرار گرفته میانگین ۴۵ درصد به دست آمد، این عدد برای دوره اول ۵۰ درصد و برای دوره دوم ۳۹ درصد نشان می‌دهد که وجوه اجرایی و شکلی تصویرسازی‌ها از وضعیت متوسط در سال‌های اخیر تنزل پیدا کرده است و تصویرگران باید به جنبه‌های تکنیکی و مهارت‌های اجرایی و بازنمایی فرم بیرونی تصویرسازی‌ها در تطابق با متن وفادارانه‌تر عمل کنند. غفلت اصلی در تصویرسازی‌های دو کتاب، کم‌توجهی و گاه بی‌توجهی به مفهوم اصلی یعنی خداشناسی (به‌ویژه دانایی و توانایی خدا) می‌باشد که جوهره اصلی و هدف غایی این درس‌هاست که در سند راهنمای برنامه تعلیم و تربیت دوره ابتدایی دقیقاً مشخص شده است و تصویرگران اغلب به بیراهه رفته و برداشتی سطحی و مخدوش از ظاهر متن داشته‌اند که

لایه‌های بیرونی متن گاه علمی و زیست‌شناسانه است و گاه داستانی فانتزی و تخیلی و گاه هم قصه‌ای واقع‌گرایانه، اما مؤلفان به این واسطه‌ها و با این ابزارها در پی یاد دادن مفهوم دانایی و توانایی خداوند هستند و تصویرگران این شالوده محوری را گم کرده و به کناری نهاده‌اند؛ بنابراین هر قدر هم تصویر، کیفیت اجرایی قابل قبولی داشته باشد، چون مسیر را به کجراهه رفته و هدف اصلی یعنی انتقال مفهوم خداشناسی را محقق نکرده است؛ از این رو تصویرسازی در عملکرد خود ناموفق ارزیابی می‌شود.

جدول ۱۳: مقایسه تصویرسازی‌های دو کتاب برای پنج شاخصه اول (شاخصه‌های معنایی و بنیادین)

درصد	عنوان
۴۵	درس اول کتاب چهارم سال ۱۳۶۰
۳۳	درس اول کتاب چهارم سال ۱۳۹۴
۵۵	درس دوم کتاب چهارم سال ۱۳۶۰
۵۳	درس دوم کتاب چهارم سال ۱۳۹۴
۵۲	درس سوم کتاب چهارم سال ۱۳۶۰
۴۹	درس سوم کتاب چهارم سال ۱۳۹۴
۴۹	درس چهارم کتاب چهارم سال ۱۳۶۰

جدول ۱۴: مقایسه تصویرسازی‌های دو کتاب برای پنج شاخصه دوم (شاخصه‌های شکلی و اجرایی)

درصد	عنوان
۴۴	درس اول کتاب چهارم سال ۱۳۶۰
۲۸	درس اول کتاب چهارم سال ۱۳۹۴
۵۶	درس دوم کتاب چهارم سال ۱۳۶۰
۴۵	درس دوم کتاب چهارم سال ۱۳۹۴
۵۲	درس سوم کتاب چهارم سال ۱۳۶۰
۴۳	درس سوم کتاب چهارم سال ۱۳۹۴
۴۷	درس چهارم کتاب چهارم سال ۱۳۶۰

پیشنهادها

۱. تصویرگران باید به اسناد بالادستی توجهی ویژه کنند؛ زیرا اهداف و مفاهیم اصلی هر درس توسط مؤلفان و سیاست‌گذاران تدوین و مشخص شده است (مانند راهنمای برنامه تعلیم و تربیت دوره ابتدایی، جدول اهداف، نشانه‌های تحقق و سطوح عملکردی درس هدیه‌های آسمان چهارم ابتدایی)؛

۲. تجزیه و تحلیل متن درس‌ها و اولویت‌بندی آموزه‌هایی که قرار است از طریق آن درس و تصویر آن به مخاطب منتقل شود، مسیر و رویکرد درست را به تصویرگر نشان می‌دهد؛
۳. انتخاب راه‌حل‌های بصری متناسب با آن محتوا برای تأثیر بیشتر بر مخاطب و غنای افزون‌تر تصویری و البته جذابیت بالاتر تجسمی؛
۴. دقت و مهارت لازم در اجرا، در موفقیت یک تصویرسازی، تکمیل‌کننده گام‌های قبلی است. انتخاب تکنیک و ابزار متناسب خود تکمیل‌کننده این سلسله حلقه‌هاست. سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی در طراحی تصویر می‌تواند هدف از آن را محقق نکند.



منابع

۱. اقبالی، پرویز (۱۳۸۹)، تبیین رابطه تصویر و متن در تصویرسازی‌های داستانی کودک در ایران (۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰)، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه شاهد.
۲. اکرمی، جمال‌الدین (۱۳۸۴)، کودک و تصویر، تهران: مدرسه.
۳. اکرمی، جمال‌الدین (خرداد ۱۳۸۴)، بخش دوم، قسمت دوم، کتاب ماه کودک و نوجوان، ش ۹۲.
۴. اکرمی، جمال‌الدین (فروردین ۱۳۸۴)، «تصویرگری در ادبیات دینی کودکان و نوجوانان»، بخش نخست، قسمت دوم، کتاب ماه کودک و نوجوان، ش ۹۰.
۵. اکرمی، جمال‌الدین (اردیبهشت ۱۳۸۴)، «تصویرگری در ادبیات دینی کودکان و نوجوانان»، کتاب ماه کودک و نوجوان، ش ۹۱.
۶. باقری، خسرو (۱۳۸۹)، درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران.
۷. پاکباز، روئین (۱۳۷۸)، دائرة المعارف هنر، تهران: فرهنگ معاصر.
۸. حسن‌پور، محسن (۱۳۹۲)، تبیین هویت فرهنگی در تصاویر کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی در ایران (۱۳۴۰ تا ۱۳۸۸).
۹. رفیعی، محمدعلی (مرداد و شهریور ۱۳۸۷)، «پشتوانه‌های علمی برای تصویرگری دینی»، کتاب ماه کودک و نوجوان، ش ۱۳۰، ۱۳۱.
۱۰. سوداگر، محمدرضا (۱۳۹۱)، وساطت هنر در آموزش تفکر فلسفی به کودکان، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران گروه مطالعات عالی هنر.
۱۱. سوداگر، محمدرضا و دیگران (بهار و تابستان ۱۳۹۰)، «تفکر و کودک»، س ۲، ش ۱.
۱۲. سیولو، پاترشیا (۱۳۸۰)، «انواع تصویرگری در کتاب‌های کودک»، مترجم فاطمه زمانی.
۱۳. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۱)، روان‌شناسی پرورش، تهران: آگاه.
۱۴. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۵)، مبانی روان‌شناختی تربیت، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۵. صالحی، سودابه (۱۳۷۲)، کاربرد گرافیک در آموزش دینی کودکان، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

۱۶. ضیاء آذری، شهریار (۱۳۸۹)، عیار استعاره بررسی نقش استعاره در بیان مفاهیم انتزاعی به زبان عینی و ملموس.
۱۷. فدوی، محمد (۱۳۷۱)، تصویرسازی و تاریخچه آن، رشته نقاشی، تربیت مدرس، تهران: دانشکده هنر.
۱۸. قائینی، زهره و محمدهادی محمدی (۱۳۸۰)، تاریخ ادبیات کودکان ایران، ۱۰ ج، تهران: چیستا.
۱۹. کپس، جنورگی (۱۹۴۶)، زبان تصویر، مبادی سواد بصری، تهران: سروش.
۲۰. مددپور، محمد (۱۳۹۰)، حقیقت و هنر دینی، تهران: سوره مهر.
۲۱. مرزبان، پرویز (۱۳۸۱)، فرهنگ مصور هنرهای تجسمی، حبیب معروف، تهران: سروش.
۲۲. میرزاییگی، علی (۱۳۷۸)، نقش هنر در آموزش و پرورش بهداشت روانی کودکان، تهران: مدرسه.
۲۳. مقدسی، حمیده (۱۳۷۲)، روان‌شناسی هنر برای کودکان عادی و استثنایی، تهران: فرزندگان.
۲۴. معین نمینی، سوسن (۱۳۷۲)، نقش نقاشی در تعلیم و تربیت کودک، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر رشته نقاشی.
۲۵. مانی قلم، مبنا (تیر ۱۳۸۴)، «کودک و تصویر»، کتاب ماه کودک و نوجوان، ش ۳۹.
۲۶. محمداقاسمی، حمید (۱۳۸۷)، جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن.
۲۷. مهرمحمدی، محمود (۱۳۵۸)، حقوق تعلیم و تربیتی کودک و نسبت آن با تربیت هنری، گارگاه آموزشی حقوق کودک، تهران.
۲۸. مهرمحمدی، محمود (۱۳۵۸)، «تبیین چرخش زیباشناسانه در تعلیم و تربیت درس‌های خرد و کلان برای بهبود کیفیت آموزش با الهام از عالم هنر»، فصلنامه تعلیم و تربیت.
۲۹. میرهادی، توران (۱۳۸۴)، «ضعف‌های تصویرگری کتاب کودک در ایران»، ویژه‌نامه رویش، ویژه جشن بزرگ کودکان، ش ۲، بهمن ۱۳۷۰، ص ۲۸ تا ۳۲، کتاب ماه کودک و نوجوان، خرداد، شماره ۹۲.
۳۰. نواب صفوی، مینا (۱۳۸۱)، گزارش اعتباربخشی راهنمای برنامه درسی هنر دوره ابتدایی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، تهران: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.
۳۱. ویگوتسکی، لوسمنویچ (۱۳۸۴)، روان‌شناسی هنر، ترجمه بهروز عزبدفتری، تبریز: دانشگاه تبریز.